



چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵

تهیه و تدوین: دکتر رضا خلیلی*

اشاره:

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ نیز همانند سال‌های گذشته با چالش‌هایی در محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود مواجه خواهد بود که شناخت دقیق و به‌موقع آنها باعث می‌شود مواجهه بهتر و سودمندتری با آنها داشته باشد. دستیابی به چنین شناختی از راه‌های مختلف امکان‌پذیر است. تحقیقات دامنه‌دار و گسترده، بررسی روندهای گذشته، سناریوسازی، شبیه‌سازی و ... نمونه‌هایی از روش‌ها و تکنیک‌های رایج برای شناخت فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی هستند که هر یک مزایا و معایب خود را دارند، اما این نوشتار نه حاصل هیچ یک از این تکنیک‌ها، بلکه نتیجه بهره‌گیری از طوفان مغزی در جمع خبرگان در پژوهشکده مطالعات راهبردی است که بر مبنای آن چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی طی فرایندی علمی مورد شناسایی قرار گرفته است.

مقدمه

مقایسه و تقاطع فکری میان این دو طیف فراهم می‌کند و باعث واقعی‌تر شدن نگاه‌ها نسبت به امنیت ملی می‌شود. با این اوصاف بررسی و برآورد تهدیدهای امنیتی در مجامع علمی، حتی اگر چنین مسئولیتی بیشتر متوجه نهادهای امنیتی باشد، امری مقبول و مطلوب است که متأسفانه هنوز در جامعه ایران جا نیفتاده و باید هم از جانب مدیران امنیتی و هم از جانب مراکز علمی و آکادمیک مورد توجه جدی قرار گیرد. بر این اساس پژوهشکده مطالعات راهبردی که همواره در مطالعات آکادمیک در حوزه امنیت و استراتژی در کشور پیشگام بوده است در ابتدای سال اقدام به برگزاری کارگاهی پژوهشی با محوریت بررسی چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ کرد که روش انجام و نتیجه آن در ادامه ارائه می‌گردد.

هدف و روش

گرچه برگزاری کارگاه پژوهشی باهدف شناخت چالش‌های امنیتی در بسیاری از مراکز مطالعات استراتژیک در دنیا امری مرسوم و معمول است و بسیاری از این مراکز دارای سنتی طولانی در بهره‌گیری از روش‌های مختلف در چنین کارگاه‌هایی هستند، اما متأسفانه در ایران هنوز بهره‌گیری از

امروزه شناخت نسبت به موضوعات، مسائل و مشکلات در حوزه امنیت ملی دارای قواعد و روش‌هایی خاص است که بدون اغراق می‌توان گفت به یک رشته علمی یا حداقل یک دانش تخصصی تبدیل شده است. برخلاف گذشته که نه تنها مرجع شناخت، بلکه حتی روش شناخت تهدیدهای امنیتی بسیار محدود و انحصاری بود و از ادراک و حلقه‌های بسته حکام یا مدیران امنیتی خارج نمی‌شد، اکنون حتی مسئله‌شناسی امنیتی یا برآورد چالش و تهدید نیز از حلقه‌های بسته پیشین خارج شده و بر مبنای روش‌ها و تکنیک‌های علمی و عمدتاً در محافل پژوهشی و آکادمیک صورت می‌گیرد. آنچه باعث تقویت این جریان شده، واقعی و عینی بودن نتایج و یافته‌های ناشی از این روش‌ها، به ویژه در مقایسه با نتایج و یافته‌های مدیران و کارگزاران امنیتی است. در واقع تجربه نشان داده است که بررسی‌های روشمند علمی توسط کسانی که از بیرون به موضوعات و پدیده‌های امنیتی می‌نگرند، به مراتب دقیق‌تر از تحلیل‌هایی بوده که فقط توسط مدیران امنیتی و در حلقه‌های بسته و محدود آنها صورت گرفته است. اما حتی اگر این گونه هم نباشد، انجام چنین تحقیقاتی حداقل راه را برای

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران



چنین روشی چندان شناخته شده یا حداقل مرسوم نیست. بنابراین اجرای چنین کاری در عین اهمیت و ضرورت، باید با روشی ساده و به دور از پیچیدگی و در چارچوب معیارهای علمی صورت گیرد تا با قابلیت آزمون‌پذیری و تکرارپذیری، امکان تداوم بهره‌گیری از این روش نیز فراهم شود. بر این اساس تلاش شد چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ با بهره‌گیری از طوفان مغزی در جمع اعضای هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی به عنوان یک جمع خبره مورد بررسی قرار گیرد.

بدیهی است که در بهره‌گیری از چنین روش‌هایی پیش از هر چیز باید بر سواژگان و مفاهیم اصلی به اجماع رسید. بر این اساس در گام نخست از اعضای حاضر در کارگاه خواسته شد در مورد مفهوم چالش امنیتی و ارتباط آن با مفاهیم دیگر بحث کنند. نتیجه این بحث‌ها آن شد که در عین ارتباط، باید بین سه مفهوم اساسی یعنی مسئله، چالش و تهدید امنیتی تفکیک قابل شد. بر اساس نظر خبرگان، مسئله امنیتی مقوله‌ای عام است و شامل پدیده‌های امنیتی که هنوز بستر و زمینه بروز و ظهور نیافته‌اند، می‌شود. چالش امنیتی بیانگر وضعیتی متغیر و سیال در ارتباط با یک پدیده امنیتی است که در بطن آن هم امکان بازگشت به مسئله و هم امکان تبدیل به تهدید وجود دارد و در نهایت تهدید امنیتی بیانگر وضعیتی است که در آن چالش امنیتی به فعلیت رسیده و بروز و ظهور یافته است. بر این اساس وقتی سخن از چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ به میان می‌آید منظور مسائل عام و کلی که در همه سال‌ها بتوان از آن سخن به میان آورد نیست. در عین حال تهدیدهای بروز یافته و قطعی را نیز نمی‌توان به عنوان چالش تلقی کرد. در واقع چالش امنیتی به پدیده‌هایی اشاره دارد که در صورت مدیریت صحیح امکان تخفیف آنها به مسئله و در صورت مدیریت نادرست امکان تبدیل آنها به تهدید وجود دارد.

با توافق بر سر تعریف چالش امنیتی و تعیین قراردادی نسبت آن با مسئله و تهدید امنیتی، در گام بعد از اعضای حاضر خواسته شد هر کدام پنج چالش عمده جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ را در بر گه‌ای جدا بنویسند. پس از نگارش و جمع‌آوری بر گه‌ها، نسبت به تجمیع و ترکیب آنها اقدام شد. برای سهولت کار ابتدا سه سطح

داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مشخص شد و چالش‌های پیشنهادی در این سه سطح دسته‌بندی شدند و مواردی که مشابه یا نزدیک به هم بودند در یکدیگر ادغام گردیدند. پس از این مرحله از حاضران خواسته شد مهم‌ترین چالش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ در سطح بین‌المللی را از بین چالش‌های معرفی شده توسط جمع مشخص کنند. همین روش در مورد سطوح منطقه‌ای و داخلی نیز تکرار شد و با بررسی مورد به مورد و نظر خواهی از حاضرین در مورد اهمیت هر یک از چالش‌ها بر اساس نمره‌گذاری از ۱ تا ۵، گزینه‌های اصلی مشخص شدند. ماحصل این بحث‌ها حذف یا ادغام بسیاری از گزینه‌ها و باقی ماندن هفت گزینه به عنوان چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود که با تفصیل بیشتر به بررسی آنها می‌پردازیم.

یافته‌ها و نتایج

با توجه به اینکه ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی در این کارگاه پژوهشی شرکت داشتند و از هر یک از آنها هم خواسته شد تا ۵ چالش امنیتی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ را مشخص کنند، در مجموع ۶۰ چالش امنیتی توسط اعضا مشخص شد. پس از مشخص شدن چالش‌ها ابتدا اقدام به تعیین سطح آنها در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شد و سپس ابعاد این چالش‌ها نیز تعیین شد تا از این طریق فرایند اجرای تحقیق سرعت بیشتری بگیرد. بر اساس نظر اعضای حاضر در جلسه ۶ مورد از این چالش‌ها مربوط به سطح بین‌المللی، ۱۲ مورد مربوط به سطح منطقه‌ای و ۴۲ مورد مربوط به سطح داخلی تشخیص داده شد که تعداد این موارد در هر سطح نیز خود می‌تواند بسیار معنادار باشد و اهمیت چالش‌های سطح داخلی نسبت به سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را نشان دهد. البته از آنجا که برخی از پیشنهادات بسیار نزدیک به هم یا حتی تکراری بود بایستی نسبت به ترکیب، ادغام یا حذف موارد مشابه اقدام می‌شد که پس از اجرای این مرحله ۳ چالش در سطح بین‌المللی، ۶ چالش در سطح منطقه‌ای و ۲۱ چالش در سطح داخلی باقی ماند که باز هم ترتیب نسبی قبلی بین سطوح حفظ شد.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ عبارتند از: نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با جامعه بین‌المللی، رقابت منطقه‌ای بر سر نفوذ، چالش خروج از رکود اقتصادی، حفظ همگرایی بین نهادها و قوای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی، آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، پاسخ‌گویی به مسائل و مطالبات سیاسی-اجتماعی و چالش‌های قومی-مذهبی. همچنان که در جدول زیر نیز به وضوح مشاهده می‌شود، نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با جامعه بین‌المللی با کسب میانگین ۴,۴۵ از پنج نمره به عنوان مهم‌ترین چالش جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی تشخیص داده شد، پس از آن رقابت بر سر نفوذ در سطح منطقه‌ای و چالش خروج از رکود اقتصادی در سطح داخلی با میانگین نمره ۴,۳۶ در رده دوم اهمیت قرار گرفتند و سپس به چالش‌های حفظ همگرایی بین نهادها و قوای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی، آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، پاسخ‌گویی به مسائل و مطالبات سیاسی-اجتماعی و در نهایت چالش‌های قومی-مذهبی به ترتیب نمرات ۳,۹۱، ۲,۷۳، ۲,۶۴ و ۲,۵۵ اختصاص یافت.

چالش‌ها	سطوح	ابعاد	میانگین
نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با جامعه بین‌المللی	بین‌المللی	سیاسی	۴,۴۵
رقابت منطقه‌ای بر سر نفوذ	منطقه‌ای	سیاسی	۴,۳۶
چالش خروج از رکود اقتصادی	داخلی	اقتصادی	۴,۳۶
حفظ همگرایی بین نهادها و قوای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی	داخلی	سیاسی	۳,۹۱
آسیب‌پذیری‌های اجتماعی	داخلی	اجتماعی	۲,۷۳
پاسخ‌گویی به مسائل و مطالبات سیاسی-اجتماعی	داخلی	سیاسی	۲,۶۴
چالش‌های قومی-مذهبی	داخلی	اجتماعی	۲,۵۵

در واقع با وجود اینکه تعداد چالش‌های داخلی نسبت به چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتر بود، اما بر اساس میانگین نمرات خبرگان، مهم‌ترین چالش جمهوری اسلامی ایران مربوط به سطح بین‌المللی و سپس منطقه‌ای و داخلی

بر اساس نظر خبرگان، نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با جامعه بین‌المللی، مناسبات ایران با آمریکا و گذار به ارتباطات شبکه‌ای جهانی به عنوان مهم‌ترین چالش‌های سطح بین‌المللی و رقابت منطقه‌ای بر سر نفوذ، قدرت گرفتن کردها در عراق و سوریه، فعالیت جدی اسرائیل علیه ایران به ویژه در آمریکا، افزایش تنش‌های ایران با کشورهای عرب منطقه به ویژه عربستان، سرریز شدن بحران کردی از ترکیه به ایران، حضور داعش در افغانستان و پاکستان و نظامی‌گری و افزایش رقابت‌های تسلیحاتی به عنوان مهم‌ترین چالش‌های سطح منطقه‌ای تشخیص داده شدند. در سطح داخلی نیز خروج از رکود اقتصادی، حفظ انسجام قومی-مذهبی، قاچاق مواد مخدر، سوخت، کالا و انسان، گسترش تفکرات تکفیری در مناطق شرقی ایران، تعمیق نارضایتی مردم از دولت، افزایش اقدامات تحریک‌کننده نظامی و تأثیر آن بر برجام، تضعیف جایگاه صدا و سیما در نزد مردم، رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی، شکاف‌های سیاسی نخبگان، بحران‌های زیست محیطی، مسائل اجتماعی و جمعیتی، تحزب و رابطه بین تشکل‌های سیاسی، رابطه بین نهادها و قوای حکومتی، چالش اجرای برجام، فعالیت‌های موشکی ایران، بحران مشروعیت نظام سیاسی، بحران کارآمدی دولت، انتخابات ریاست جمهوری آینده و مسائل ناشی از آن، تعارض امنیت اقتصادی و امنیت دفاعی و تعارض بر سر اتخاذ راهبرد مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین چالش‌ها تشخیص داده شدند. با مشخص شدن این چالش‌ها در سطوح سه‌گانه اکنون باید میزان اهمیت و جدیت آنها بر اساس یک طیف مشخص تعیین می‌شود. با اجماع اعضای حاضر در کارگاه، قرار شد یک طیف پنج‌گانه برای تشخیص میزان اهمیت و جدیت چالش‌ها مشخص شود، بدین ترتیب که قرار شد به گزینه بسیار جدی نمره ۵، به گزینه جدی نمره ۴، به گزینه متوسط نمره ۳، به گزینه نسبتاً جدی نمره ۲ و به گزینه غیرجدی نمره ۱ تعلق گیرد. با مشخص شدن این طیف و نمرات آنها اکنون باید هر یک از اعضای حاضر به تمام چالش‌های ذکر شده نمره می‌دانند و از میانگین نمرات آنها به هر چالش، نمره آن مشخص شود. در واقع با اجرای این مرحله به صورت کمی مشخص شد که مهم‌ترین چالش‌های

کشورهای منطقه را باز کند، بدون شک در کنترل و مدیریت بخش عمده‌ای از چالش‌ها توفیق می‌یابد.

ضرورت و اهمیت این تغییر زمانی بیشتر مشخص می‌شود که اثر گذاری تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بر مدیریت چالش‌های داخلی را نیز مورد توجه قرار دهیم. در واقع هر چند مدیریت چالش‌های سطح داخلی نیازمند تدابیر و برنامه‌ریزی دقیق و منسجم با اتکا به توانایی‌های درونی است، اما به هر حال نباید این اصل اساسی را نادیده گرفت که توانایی‌های داخلی به تنهایی پاسخگوی همه چالش‌های پیش روی کشور نیستند و حتماً باید از منابع بیرونی یا حداقل از کاهش موانع بیرونی نیز برای مدیریت چالش‌های داخلی استفاده کرد. به عبارت دیگر چالش‌های سطح داخلی اعم از اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و حتی سیاسی در خلأ شکل نگرفته‌اند و تحولات محیط بیرونی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری یا حداقل تشدید آنها اثر گذار بوده‌اند. بنابراین هر چند چالش خروج از رکود، حفظ همگرایی بین نهادها و قوای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی، آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، پاسخ‌گویی به مسائل و مطالبات سیاسی-اجتماعی و چالش‌های قومی-مذهبی عمدتاً ریشه داخلی دارند و باید با اتکا به منابع داخلی مدیریت شوند، اما اولاً چالش‌های این سطح فقط محدود به این موارد نیست و قطعاً باید به همه چالش‌ها در این سطح توجه داشت و ثانیاً باید از همه امکانات و توانایی‌های ملی و فراملی برای مدیریت آنها استفاده کرد.

بدیهی است که نتایج و یافته‌های این کارگاه پژوهشی بیانگر نظرات و دیدگاه‌های اعضای حاضر در این جلسه است و ممکن است در شرایط دیگر یا با حضور افراد دیگر نتیجه‌ای متفاوت حاصل شود، اما از آنجا که تمامی این مراحل به صورت علمی و با دقت اجرا شده است تصور اینکه نتایجی تقریباً مشابه از کارگاهی مشابه به دست آید چندان دور از انتظار نیست. در واقع ماهیت کار علمی در همین خصلت آزمون‌پذیری و تکرارپذیری آن است. چنانچه در شرایط مشابه نیز نتایجی تقریباً مشابه به دست آید، ماهیت علمی این تلاش بیشتر آشکار می‌شود و می‌توان از این روش در مورد موضوعات دیگر و حتی در مقیاس‌های گسترده‌تر نیز استفاده کرد.

است. در صورتی که ابعاد چالش را نیز مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که بعد سیاسی با چهار چالش بیشترین اهمیت را در نزد خبرگان حاضر در این کارگاه پژوهشی داشته است و پس از آن به ترتیب ابعاد اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت هستند. البته با توجه به تعدد چالش‌های داخلی نسبت به چالش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، ۵ گزینه در این سطح مورد توجه قرار گرفت.

در سطح بین‌المللی نظر خبرگان این بود که حتی بسیاری از چالش‌های دیگر از جمله مناسبات با آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ و گذار به ارتباطات شبکه‌ای جهانی نیز در گرو نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با جامعه بین‌المللی است. البته این چالش بیشتر ادراکی و ذهنی است و در عین حال دارای دو وجه داخلی و خارجی می‌باشد. در واقع تفاوت نگاه و منطق جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا در کنار تجربیات تلخ تاریخی ایران از اعتماد به قدرت‌های بزرگ باعث شده است مسائل و دشواری‌هایی در این زمینه ایجاد شود که قطعاً در یک سال نمی‌توان همه آنها را برطرف کرد، اما از آنجا که سال ۱۳۹۵ سال اجرای تعهدات ایران و قدرت‌های بزرگ در چارچوب برجام است، اهمیت این چالش در شرایط کنونی بسیار بیشتر شده است.

در سطح منطقه‌ای نیز با وجود اینکه چالش‌های بسیاری پیش روی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ وجود دارد، اما بر اساس نظر خبرگان همه این چالش‌ها در نهایت به چالش رقابت منطقه‌ای بر سر نفوذ برمی‌گردند. چالش‌هایی چون قدرت گرفتن کردها در عراق و سوریه، فعالیت‌های اسرائیل علیه ایران به ویژه در آمریکا، افزایش تنش‌های ایران با کشورهای عرب منطقه به ویژه عربستان، سرریز شدن بحران کردی از ترکیه به ایران، حضور داعش در افغانستان و پاکستان و نظامی‌گری و افزایش رقابت‌های تسلیحاتی به عنوان مهم‌ترین چالش‌های سطح منطقه‌ای هر یک به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از چالش رقابت بین ایران و رقبا بر سر نفوذ در سطح منطقه‌ای هستند و بنابراین در صورتی که ایران بتواند به ویژه با بهره‌گیری از تعاملات بین‌المللی و کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی به دشمنی‌ها و رقابت‌ها در سطح منطقه‌ای پایان داده و باب همکاری و همگرایی با